

پژوهشی کوتاه در ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران

«تجدید حیات نهضت ادبی ایران»

بخش پژوهش‌های تاریخ و تمدن مجله‌ی فردوسی

ادامه از شماره گذشته

گسترش سریع و برق‌آسای فرهنگ اسلامی که بیش‌ترین سهم آن به راستی مرهون خدمات علمی و فرهنگی خردمندان ایرانی است، از همان سال‌های نخستین تسلیم یزدگرد سوم ساسانی به سرعت از مرزهای امپراتوری ساسانی گذشت و وارد شهر، خانه، خانواده و زندگی خصوصی ایرانیان شد. این نفوذ آن چنان عمیق بود که حتی در

نام اشخاص تأثیر گذاشت و ایرانیان به زودی نام فرزندان خود را از نام‌های ایرانی، به نام‌های عربی تغییر دادند. هنوز بیش‌تر از یک نسل از تاریخ هجوم عرب‌ها به ایران سپری نشده بود که نام‌های ایرانی به فراموشی سپرده شد و خانواده‌ها نام‌های عربی را برای فرزندان‌شان انتخاب کردند. به همین سبب است که در بین نویسندگان، دانش‌پژوهان، مترجمان و شاعران ایرانی

قرن‌های اول و دوم هجری و بعد از آن به ندرت نام‌های ایرانی دیده می‌شوند.

به مشاهیر و بزرگانی که به سبب ترجمه‌ی آثار پهلوی به زبان عربی، باعث ماندگاری

برای جلوگیری از نابودی میراث علمی و فرهنگی ایرانیان، برخی از اندیشمندان ایرانی بسیاری از کتاب‌ها و نوشته‌های علمی ایرانیان را از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه کردند.

ته مانده‌های تراوش‌های فکری و فرهنگی اقوام پارسی و حفظ فرهنگ و تمدن ایرانی

هشام‌بن القاسم اصفهانی، موسی‌بن عیسی الکسروی، زادویه پسر شاهویه اصفهانی، محمدبن مطیار اصفهانی، بهرام پسر مردان‌شاه، عمر بن فرخان طبری، علی بن عیبه‌الریحانی، بهرام هروی مجوسی، بهرام پسر مهران اصفهانی و گروه‌های فراوان دیگری از خردورزان زمانه که اگر تلاش این فرهیخته‌گان نبود، بدون تردید در حال حاضر هیچ‌گونه اطلاعی از

فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام وجود نداشت و نامی از آن برده نمی‌شد. نهضتی که به منظور روشن نگاه داشتن شعله‌های کم‌سو و رو به خاموشی تاریخ فرهنگ و تمدن و ادبیات ایران‌زمین در حال مرگ بود، از همان آغاز کار شروع شد و تا قرن دهم هجری ادامه یافت. در این دوره کتاب‌های ارزشمندی از تاریخ و ادبیات کهن ایران تدوین

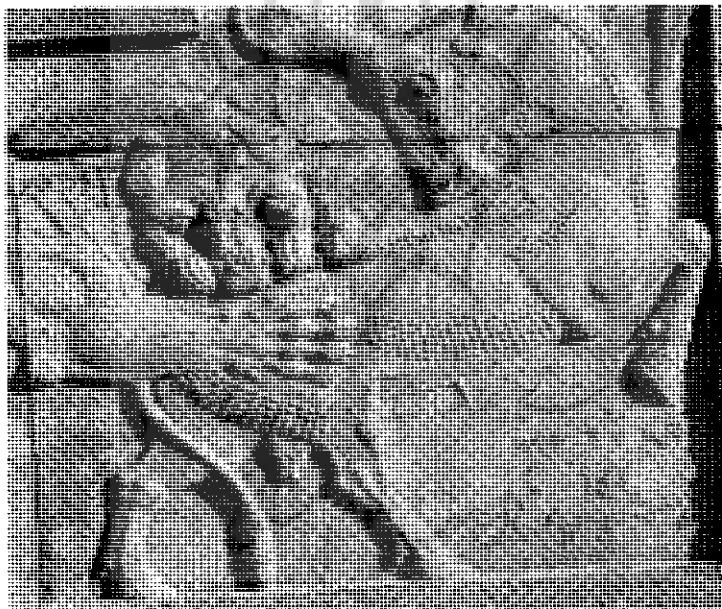
شد و باعث ماندگاری زبان دری گردید. درباره تاریخچه‌ی پیدایش زبان دری،

رئس‌الفکر و فرهنگی ایرانیان، تجدید نهضت ادبی، بازگشت به اصل و زنده شدن دوباره زبان پارسی از نیمه‌های دوم قرن سوم هجری به شکلی بسیار جدی آغاز گردید.

هزاره‌های پیشین شده‌اند اشاره می‌کنیم و از تمام آنان به خاطر خدمت بزرگی که برای پابرجا ماندن میراث فرهنگی بشری انجام داده‌اند سپاسگزاریم:

حبله بن سالم، ابن المقفع، نوبخت منجم، موسی بن خالد، یوسف بن خالد، ابوالحسن علی بن زیاد تمیمی، حسن بن سهل منجم، احمد بن یحیی بن جابر البلاذری، اسحق بن علی بن سلیمان، اسحق بن یزید، محمد بن جهم البرمکی،

گسترش تاریخ و تمدن اسلامی مرهون خدمات علمی و فرهنگی خردمندان ایرانی است.



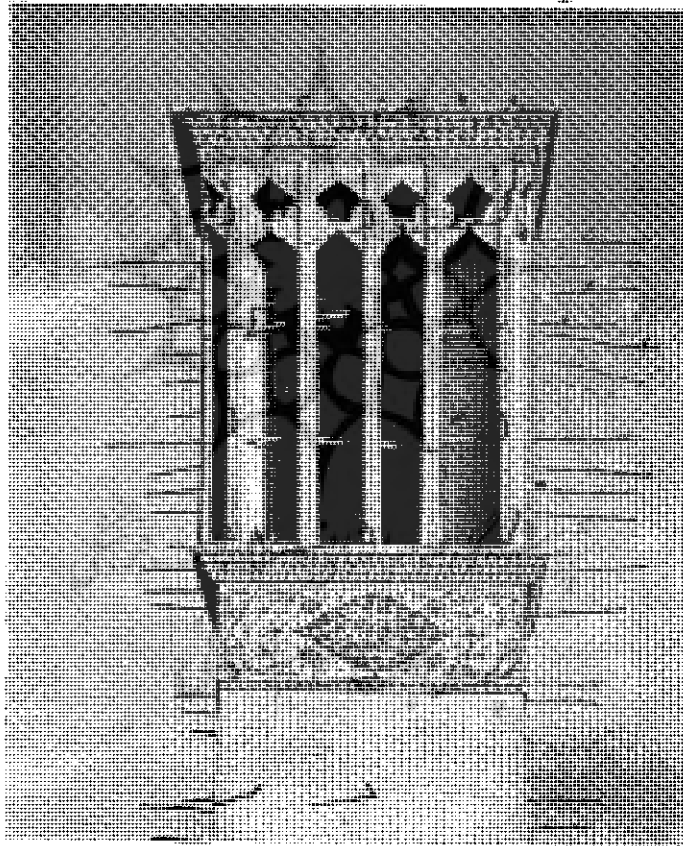
در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «زبان فارسی دری، زبان بهشتیان است و فرشته‌گان آسمان چهارم بدان زبان سخن می‌گویند».

دری، زبان بهشتیان است و فرشته‌گان آسمان چهارم بدان زبان سخن می‌گویند: «لسان اهل الجنة عربی او فارسی دری» و برخی دیگر ریشه‌ی زبان دری را به جمشید و پادشاهان کیانی نسبت می‌دهند. زبان‌شناسان دوران اسلامی ریشه‌ی زبان دری و مرکز پیدایش و همگانی شدن آن را سمرقند و بخارا و فرارود (ماوراءالنهر) می‌دانند که در زمان پادشاهی سامانیان به اوج خود رسید.

بسیاری از پژوهش‌گران متعصب گفته‌اند که به‌وجود آورنده زبان دری «حکیم فردوسی» بوده است. این نظریه درست نیست و نوعی داوری تعصب‌آمیز و دور از منطق است.

محقق بزرگ ایرانی قرن چهارم هجری المقدسی در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (درباره جغرافیای سرزمین‌ها) عقیده دارد که ریشه‌ی اصلی زبان دری، ایالت بخارا بوده است و مردم آن جا با این زبان سخن می‌گفته‌اند و نامه‌های پادشاهان با زبان دری نوشته می‌شده است. وی می‌گوید که زبان دری با واژه «دره» رابطه‌ی نزدیکی دارد. «دره» به معنی محل ورود می‌باشد و زبانی است که اهل در (درگاه، بارگاه، محل ورود) با آن سخن می‌گفته‌اند. زبان دری یعنی زبان درگاه، زبانی که در درگاه و بارگاه پادشاهان بدان سخن گویند. به کلامی دیگر زبان دری همان زبان درباری است. یعنی زبانی که افراد بزرگ و شایسته و والامقام با آن گفت‌وگو می‌کنند.

در حدیثی از حضرت پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که زبان فارسی



زندگی تازه‌ای بخشید، پرورش داد، گسترانید، واژگان سخت فهم آن را کنار زد و زبانی سرزنده و شاد و کامل‌تر از گذشته بنیان نهاد. این خردمند بزرگ به راستی زبان این قوم کهن را که در سرایشی سقوط و نابودی کامل قرار گرفته بود، از خطر سقوط و مرگ مسلم نجات داد و آن را جهانی کرد.

به حقیقتی در این زمینه توجه کنیم. در سفری پژوهشی به سرزمین باستانی مصر در «دارالکتب قاهره» کتاب‌خانه‌ی قاهره به اندیشمندی پارسا و پژوهش‌گر برخوردار کردم که در دانشگاه قاهره تدریس می‌کرد و در مدرسه‌ی جامع ازهر (دانشگاه الازهر) قاهره درس می‌خواند. پس از آشنایی اولیه، نزدیکی بیشتری بین ما ایجاد شد. در گفت‌وگوهای بعدی بحث ما به تمدن‌های باستانی مصر و ایران کشیده شد. من از او پرسیدم اگر

بدون تردید این نظریه درست نیست اگر گفته شود به وجود آورنده زبان فارسی دری، آن‌گونه که بسیاری از پژوهش‌گران گفته‌اند و یا نوشته‌اند، حکیم فردوسی است. اما، به بی‌راهه و سخن باطل و اندیشه‌ی گمراه نرفته‌ایم اگر اعتراف کنیم که حکیم فردوسی با خلق اثر جاودانه‌اش «شاهنامه»، زبان فارسی دری را

اگر چه سراسر ایران با سرعتی شگفت‌انگیز زیر سلطه‌ی استعماری اعراب قرار گرفت، اما خورشید تابان علم و اندیشه و خرد ایرانی هرگز در خراسان بزرگ غروب نکرد.

همانند ایران علت قطعی شکست مصر را از سپاه اسلام مسایل ایدئولوژیکی فرض کنیم، با توجه به فاصله‌ی بسیار زیاد سرزمین حجاز با مصر در مقایسه با کشور ایران که هیچ فاصله‌ی فیزیکی بین این دو سرزمین نبوده است، انهدام زبان مصری و جای‌گزینی آن با زبان عربی را به چه عاملی می‌توانیم نسبت دهیم؟ پاسخ ابوبکر محمدالفارس بسیار

زیادی آن را رساتر و زیباتر کرده است. به همین دلیل است که تمام نویسندگان اندیشمند و مشهور آثار خود را به این خط و زبان نگاهشته‌اند.

«پی آمد شکست ایرانیان از عرب‌ها»
در گفتارهای قبلی خود از آغاز تا همین

در همین حال، از قرن سوم هجری به بعد تعداد زیادی از نویسندگان، شاعران، مترجمان، آثار فراوانی را از زبان‌های دیگر به زبان پارسی آن روزگار برگرداندند. برخی نیز کتاب‌هایی از داستان‌های حماسی کهن، سرگذشت پادشاهان باستانی، شرح نبردهای ملی و میهنی و بیان رویدادهای تاریخی را به زبان فارسی نوشتند.

ابوبکر - محمد الفارس دانشجوی دانشگاه الازهر و قاهره: اگر فردوسی وجود نداشت، هم اینک زبان شما ایرانیان، زبانی غیر از فارسی بود.

اما، همان‌گونه که شرط وجود و ادامه‌ی زندگی هر زبانی، نوجویی و تحرک و دوری گزیدن آن از یک‌نواختی است، زبان فارسی جدید نیز تابع همین اصول قواعد اساسی شد. با گذشت زمان واژگان سخت فهم خود را از دست داد و واژگان

«فردوسی» با خلق اثر جاودانه‌اش زبان فارسی را جان تازه‌ای بخشید و آن را به صورت زبانی سرزنده و شاد تقدیم ایران شهری‌ها کرد.

کوتاه و ساده بود و در ذهن من تا ابد ماندگار شد: «برای این که مصر خردمندی همانند فردوسی نداشت که زبان سرزمینش را حفظ کند^۱» به راستی چیزی برای گفتن نداشتم و بسیار آسان تسلیم نظریه‌ی ابوبکر شدم.

بسیاری از پژوهش‌گران تاریخ ادبیات ایران بر این باورند که زبان فارسی امروزی ما از زمان تشکیل نخستین حکومت‌های نیمه‌مستقل و مستقل طاهریان، صفاریان، سامانیان و آل‌بویه به شکل خط و زبان رسمی درآمد و جای‌گزین زبان عربی گردید.

رستاخیز واقعی و نهضت حقیقتی بازگشت به تاریخ تمدن و فرهنگ و ادب پارسی از عصر سامانیان (۲۶۰-۳۹۰ هجری) آغاز می‌شود و شعر جای‌گاه رفیعی می‌یابد و شاعران پارسی زبان و پارسی گوی به رقابت با یک‌دیگر برمی‌خیزند. به راستی برخی از پادشاهان و سرداران سامانی در تشویق این خردورزان برای ادامه‌ی راهشان کمک‌های مادی و معنوی مهمی کرده‌اند. از همین دوره است که علاقه‌مندان فرهنگ و زبان پارسی به تجدید نگارش کتاب‌هایی همت می‌گمارند که از دراز دستی اقوام مهاجم نجات یافته بودند.

۱- سفر تحقیقی به مصر جهت بازدید و نسخه‌برداری از نسخه‌ی خطی شاهنامه متعلق به کتابخانه‌ی قاهره در سال ۱۹۷۵ میلادی.



آسان‌تری را از زبان‌های دیگر مانند زبان‌های عربی، ترکی، مغولی، چغانی و در سده‌های بعدی از زبان اروپایی گرفت و به راه خود ادامه داد. مسلم این که گریزان بودن زبان فارسی همانند هر زبان دیگر از حالت یک‌نواختی و سکون و اقتباس فرهنگی آن از واژگان بیگانه هیچ‌گونه لطمه‌ای بر اساس و بنیان آن وارد نیاورده است و در موارد

عصر سامانیان که از سال ۲۶۰ هجری آغاز می‌شود، عصر زندگی دوباره دانشمندان و ادیبان ایرانی است.

جا، ۳۰۰۰ سال تاریخ پیش از میلاد و ۸۰۰ سال پس از میلاد یعنی حدود ۴۸۰۰ سال را پشت سر گذاشتیم. از این قسمت با پشت سر

در تاریخ ایران، غزنویان ادامه دهندگان راه سامانیان در گسترش ادبیات فارسی هستند.

گذشتن قرن نهم میلادی وارد قرن چهارم هجری قمری می‌شویم. از نظر فکری و فرهنگی و ادبی ورود به قرن چهارم هجری برای تاریخ تمدن و ادبیات ایران زمین، ورود به جهانی دیگر و تاریخی جدید است.

در قرن چهارم هجری رنسانسی فکری و فرهنگی در ایران آغاز می‌شود که بنیان همه چیز را در هم می‌ریزد. حکمت، فلسفه، منطق، علوم طبیعی، تفکرات دینی، علوم ریاضی، نجوم، علم پزشکی، برداشت‌های آزادانه‌تر از مفاهیم دین اسلام، تعبیر و تفسیر و نقد احکام دینی، ادبیات، فقه، علم حدیث، علم تفسیر، تأویل، شعر، نثر، فرهنگ‌نویسی، تاریخ‌نگاری، سفرنامه‌نویسی، داستان‌پردازی، شرح حال و تذکره‌نویسی، سیاحت، جغرافیاینگاری و.....

دگرگون می‌شود و رونق می‌گیرد. از همین زمان رنسانس حقیقی فکری و فرهنگی و ادبی ایران به ویژه از هنگام پیدایش سامانیان و سپس غزنویان شروع می‌شود که از سبکتکین نخستین امیر این سلسله تا تاج‌الدوله خسرو ملک‌بن خسروشاه (۴۳۲ - ۵۸۲ هجری) بیشتر از ۱۵۰ سال دوام می‌آورد و این نهضت هم‌چنان ادامه می‌یابد.

در دوره سامانیان و بعد غزنویان، چهره‌های بزرگ علمی و ادبی پیدا می‌شوند که به راستی شاخص هستند و تأثیر شگفت‌انگیز و بی‌مانندی بر تاریخ و ایات سده‌های بعدی خود می‌گذارند. به نام برخی از بزرگان این عصر که پیش‌گامان اتبوه شاعران نامی

سده‌های آینده هستند اشاره‌ای گذرا می‌کنیم:

۱- مسعودی مروزی - شاعر اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری. وی نخستین کسی است که روایات تاریخی و حماسی را به نظم درآورده و شاهنامه‌ای به شعر تدوین کرده است.

۲- رودکی (ابوعبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم) از بزرگان شعر در دوره سامانیان (قرن سوم و چهارم هجری) است. درباره‌اش گفته‌اند که ۱/۳۰۰/۰۰۰ بیت شعر سروده است. اما وجود ۱۰۰/۰۰۰ بیت آن تاکنون مسلم شده است.

دقیقی نخستین شاعری است که به نظم شاهنامه مشغول می‌شود، اما به علت مرگ نا به هنگام، از ادامه‌ی راهش باز می‌ماند.

۳- شهید بلخی (ابوالحسن شهید بن حسین جهودانکی بلخی) شاعر هم‌عصر رودکی می‌باشد که علاوه بر شعر در هنر خط و حکمت و کلام استاد بوده است.

۴- ابوطیب مُصَنَّبِی (ابوطیب محمد بن حاتم المُصَنَّبِی) شاعر عصر سامانیان و شاعر ذواللسان است. یعنی هم به زبان فارسی و هم عربی شعر می‌گفته است.

۵- فرالای (ابوعبدالله محمد بن موسی الفرالای) هم عصر شهید بلخی است.

۶- ابوشعیب هروی (ابوشعیب صالح بن محمد هروی) شاعر اواخر دوره رودکی است.

۷- ابوالمؤید بلخی شاعر دوره سامانیان است. منظومه‌ی یوسف و زلیخا را از این

شاعر دانسته‌اند. اما امروز چیزی از آن در دسترس نیست.

۸- ابوشکور بلخی شاعر اواخر دوره رودکی و اوایل پیدایش فردوسی است.

۹- دقیقی (ابومنصور محمد بن احمد دقیقی) از شاعران بزرگ عهد سامانیان و نخستین شاعری است که به نظم شاهنامه همت گماشته است. دقیقی بخش‌هایی از شاهنامه را در ۱۰۰۰ بیت سرود، اما مرگ زودرس به وی اجازه ادامه‌ی کار را نداد و در سن جوانی و در یک کشمکش و درگیری اخلاقی با دشمنی غلامش کشته شد و تقدیر این بود که شاهنامه را بزرگ مرد خردمندی از تبار پاکان روزگار به پایان برساند.

و ما به نام تعدادی از شاعران فراوان دوره پیش از سامانیان و بعد از آنها و امیران چغانی که در قرن سوم و چهارم هجری می‌زیسته‌اند اشاره می‌کنیم و در بین آنان کسانی را که تأثیر بیش‌تری بر ادبیات ایران گذاشته‌اند برمی‌گزینیم و درباره آنها بیش‌تر صحبت خواهیم کرد. بنابراین، شعرای دیگری هم بوده‌اند به این نام: ابوالعباس ربن جنی، ابواسحق جویباری، ابوزراعه مُعَمَّرِی، خسروانی، شاکر بخاری، معروفی بلخی، والوالجی، لُوکَری، بدیع بلخی، منجیک ترمذی، طاهرین فضل چغانی، آغاجی، منطقی رازی، خسروی سرخسی، قمری

ایزد جاویدان سوزمین پاکان چنین مقدر کرده بود که دقیقی در بین راه کشته شود و از ادامه‌ی راهش باز بماند و فرهیخته‌ای والاگهر از تبار پاکان اهورایی نام ایران زمین را تا بودن هستی، ماندگار نگاه دارد.



درازا می‌کشد و تمام عمر یک انسان ۸۰ ساله را تشکیل می‌دهد. این تاریخ ۸۰ ساله گذرگاه شگفت‌انگیزی از عبور ابرمردی از اندیشه‌سالاران ایرانی است که وجود او در همین مدت کوتاه تأثیر شگرفی بر ادبیات ایران و حتی گیتی نهاده است. هیچ کس جرأت آن را ندارد که این حقیقت تاریخی را انکار کند و هیچ‌گاه این خاطره عظیم از ذهن تاریخ و تمدن بشری زدوده نخواهد شد.

از سال ۳۳۰ هجری قمری و در حقیقت از سال ۳۷۰ هجری قمری

یعنی از ۴۰ سالگی فردوسی، ادبیات ایران زمین وارد عصری می‌شود که به عصر فردوسی مشهور شده است. چندان سخن به گزافه نگفته‌ایم که قرن چهارم هجری را قرن فردوسی بنامیم. آن‌چه که ما را واداشت تا یاد از آن بزرگان پیش‌گام بکنیم، وارد شدن در سرزمین شیرمردی از پیشه‌ی خردمندان و اندیشه‌سالاران و فرهیخته‌گان پارسی زبان بود که به راستی حضور وی به عنوان کاروان‌سالار و سرخیل تمامی بزرگان شعر و ادب و اندیشه و حکمت ایران زمین و بزرگ‌ترین حماسه‌سرای گیتی، حقیقتی آشکار و واقعیتی انکارناپذیر است.

نام این پدیده شگفت‌انگیز ادب و حکمت ایران را باید با احتیاط و ترس و احترام و زهد و پارسایی و ایمان کامل به: پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک به زبان آورد.

باشد که قدسیان ملکوتی نام حکیم بزرگ ما را که فرهنگ، زبان، ادب، حکمت و بازگشت به خویشتن را به این قوم آموخت و پایه‌گذار تحکیم وحدت شد و یک‌پارچگی و یگانگی این خلق از خویشتن رها شده و

عصر فردوسی اگر چه از سال ۳۳۰ آغاز می‌گردد، اما تا جاودانگی زمان ادامه خواهد داشت.

جرجانی، یوسف عروضی، استغنائی نیشابوری، خبازی نیشابوری، ابوالعلاء شوشتری، محمد عبده، جنیدی، کسائی مروزی، رابعه بنت کعب (از گروه نخستین زنان شاعر ایرانی است)، عماره مروزی، ابوالفتح بُستی، حنظلّه‌ی بادغیسی، ابوسلیک گرگانی، فیروز مشرقی و....

* * * *

از آغاز قرن سوم تا پایان قرن چهارم هجری که به راستی قرن تجدید حیات زبان و ادب فارسی جدید است جز از بزرگانی که نام بردیم، شاعری مشهور دیده نمی‌شود و اگر هم وجود داشته است در گم‌نامی مرده است. بسیاری از شاعران این دوره ذواللسان بوده و در فن بیان و عروض و قافیه و دیگر فنون نظم و نثر آگاهی کاملی داشته‌اند.

شاهنامه اثری بی‌مانند و شگفت‌انگیز است که هیچ کس جز فردوسی نمی‌توانست آن را خلق کند.

عصر فردوسی

با عبور از کانال زمان به دوره‌ای می‌رسیم که اگر چه بسیار کوتاه است و در عمر یک انسان خلاصه می‌شود، اما به بزرگی تمام دوره‌های تاریخ فرهنگ و تمدن پنج و یا ۶۰۰۰ ساله‌ی ایران زمین است. این دوره کوتاه تاریخی (۳۳۰-۴۱۰ هجری) ۸۰ سال به

به بیگانه روی آورده را به او بازگرداند و علایق ملی را زنده کرد و زبان فارسی را زندگی جاودانه بخشید، بر سر لوحه‌ی پاکان هستی بنگارند. آمین!

پیش‌تو نیز آن چه که در کتاب «حماسه حماسه‌ها» گفته بودیم و آن چه که در آینده خواهیم گفت، نه این که ما را غره به آن چند کلام مشکوک و به وام گرفته شده از دستان بخشنده و سفره همیشه گسترده و

فردوسی پادشاه بی‌چون و چرای سرزمین پندار نیک، گفتار نیک، و کردار نیک است.

۱- حماسه حماسه‌ها (شاهنامه‌ی فردوسی) در دو جلد - نقد و بررسی شاهنامه، شاهنامه‌شناسان، مقدمه‌های شاهنامه، شاهنامه‌های خطی، تراژدی‌های رستم و سهراب، سوگ سیاوش، رستم و اسفندیار - نگارش محمد کرمی - چاپ تهران - ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ - انتشارات شاهنامه

اگر فردوسی کبیر در تاریخ ایران زمین نبود، امروز هیچ نشانی از زبان ملی، تاریخ ملی، فرهنگ ملی و سرزمین ملی ما وجود نداشت.

بخش بزرگی از داستان‌های تخیلی درباره زندگی حکیم فردوسی، تراوش فکری خیال بافان شاهنامه‌ی بای سنغری است که در مقدمه‌ی این شاهنامه آمده است.

پربرکت بزرگان علم و اندیشه نموده باشد، بلکه تا جاودانگی کلام، ما را وام‌دار عزت نفس و شایستگی‌های کریمانه‌ی آنان خواهد کرد.

تاریخ جهان مشاهده می‌کنیم از آغاز تاریخ فرهنگ و تمدن بشری تا همین امروز شاید میلیون‌ها دانشمند و فیلسوف و حکیم و نویسنده و شاعر و مردمان خردپیشه آمده‌اند و رفته‌اند، اما در بین این خیل عظیم انسان‌های فرهیخته، فقط دو نفر ماندگار

بنابراین چندان دور از انصاف نیست چنانچه حضور ۸۰ ساله‌ی حکیم خردمند ایران‌زمین را در گستره پهناور و بی‌انتهای فرهنگ و ادب سرزمینمان یک عصر بنامیم و با جرأت بگوییم چنانچه عصر فردوسی در تاریخ چندین هزارساله‌ی ما به وجود نمی‌آمد و خردورزی از پیشه‌ی شیران فرهیخته وارد این عصر سرنوشت‌ساز نمی‌گردید، معلوم نبود چه بر سر زبان، تمدن، فرهنگ، استقلال و ملیت ما می‌آمد! حداقل این که اگر زبان امروزی ما زبان عربی و یا مغولی و یا ترکی و یا روسی نبود، زبان دیگری به جز زبان فارسی و سیله‌ی ارتباطی مردم این سرزمین بود.



شده‌اند:

حکیم فردوسی خالق بزرگ‌ترین، شایسته‌ترین، حکیمانه‌ترین، شاعرانه‌ترین و منطقی‌ترین حماسه‌های تاریخ بشری است. شاهنامه در مقایسه با دیگر حماسه‌های نوشته شده و ماندگار از تاریخ گذشته، پدیده‌ای بی‌مانند و شگفت‌انگیز است که آفرینش آن برای هیچ فرهیخته‌ای جز فردوسی میسر نبوده است و با هیچ حماسه‌ی دیگری در تاریخ ادبیات گیتی نیز قابل مقایسه نیست.

اگر دوره زندگی پربار حکیم خردمند، آن‌گونه که اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهند از سال ۳۳۰ تا ۴۱۰ هجری به مدت ۸۰ سال بوده باشد، شاعر بزرگ ما از ۳۵ سالگی به سرودن شاهنامه مشغول شده و چنانچه در ۷۰ سالگی و پس از ۳۵ سال تلاش بی‌وقفه شاهنامه را تمام کرده باشند، ۱۰ سال پس از پایان کتاب زندگی را بدرود گفته‌اند.

برای کسانی که در زمینه‌ی ادبیات و به ویژه حماسه پژوهش می‌کنند، ۸۰ سال، ۲۰۰ سال، ۵۰۰ سال و حتی ۱۰۰۰ سال، سال‌های درزای نیستند. زیرا، در یک دوره تاریخی چندین هزار ساله ممکن است یک و یا دو نفر شاعر حماسه‌سرا ظهور کنند. چنانچه در

۱- هومر با خلق حماسه‌ای به نام ایلیاد و اودیسه
۲- فردوسی با خلق حماسه‌ای به نام شاهنامه
و دیگر هیچ!... و این پیش‌آمد شگفت‌انگیز و تاریخی نصیب هر ملتی از گرد راه رسیده و بی‌بن و ریشه نمی‌شود. در بین هزاران نژاد پراکنده بشری، فرهیخته‌ای ارجمند از یونان و خردورزی بی‌مانند از ایران با گذر از کوره راه‌های پریچ و خم و خطرناک، دروازه تمدن و حکمت و خرد بشری را یافتند و به کاخ عظیم و سر به فلک کشیده‌ای رسیدند که هیچ‌کس را پیش و پس از آن‌ها اجازه ورود به آن‌جا نداده بودند.

حضور فردوسی در گستره تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران زمین یک عصر استثنایی است.

اگر بخواهیم وارد جزئیات فکر و اندیشه و زندگی سرتاسر حماسه‌ی این ابرمرد تاریخ فرهنگ و حماسه بشویم، نه این که در این چند کلام وام گرفته شده از دیگران، بلکه همانند هزاران پژوهش‌گر سرتاسر جهان چنانچه در این راستای تاریخ ۱۰۰۰ ساله که از عمر حکیم ما می‌گذرد به پژوهش مشغول گردیم، هنوز در آغاز راهیم و راه بس دشواری پیش روی خود خواهیم داشت.

ادامه در شماره آینده